


 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0> 10.22034/ravanshenasi.2024.2016735 20.1001.1.20081782.1403.17.4.5.9

## Phenomenography of the Perceptions and Ideas of Junior High School Teachers about the Concept of "Religious Identity" of Students (Studying the Teachers Working in Minab city)

Eshaq Shirinkam  / Assistant Professor, Department of Education, Farhangian University, Tehran, Iran  
Received: 2024/09/10 - Accepted: 2024/12/24 e.shirinkam@yahoo.com


### Abstract

The aim of this research is to study the perception and understanding of Minab's junior high school teachers of the concept of "religious identity" using the "phenomenography" method. The research population included junior high school teachers (with 15 to 25 years of experience) working in junior high schools in Minab city, Hormozgan province. Using the "purposive sampling" method, participants were selected and the data collection process continued until finally, based on the theoretical saturation model, 16 teachers were studied using a semi-structured interview. The data were examined using thematic analysis. After identifying categories, the main codes and their prominent themes, the internal and external horizons were drawn and the research result space was designed. In the conclusion section, the perceptions and experiences of working teachers were studied and identified using the "analysis" method. The perceptions of teachers were categorized into four main themes: "being a religious role model", "building an identity", "the ability to interact and communicate positively with others", "the ability to influence the environment", and "appearing in multiple roles while observing professional principles".

**Keywords:** perceptions, lived experience, phenomenology, religious identity, junior high school.

## پدیدارنگاری ادراک و تصورات دبیران متوسطه اول از مفهوم «هویت دینی» دانش آموزان (مطالعه دبیران شاغل در آموزش و پرورش شهر میناب)

e.shirinkam@yahoo.com

اسحق شیرین کام  / استادیار گروه آموزش علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۰ - پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۴

### چکیده

هدف این پژوهش، مطالعه ادراک و فهم دبیران متوسطه اول شهر میناب از مفهوم «هویت دینی» با استفاده از روش «پدیدارنگاری» است. جامعه آماری پژوهش شامل دبیران متوسطه اول مشغول به کار (دارای سابقه خدمت ۱۵ تا ۲۵ سال) در مقطع متوسطه اول شهرستان میناب استان هرمزگان بود. براساس روش «نمونه‌گیری هدفمند»، مشارکت‌کنندگانی انتخاب شدند و فرایند گردآوری داده‌ها ادامه یافت تا در نهایت، براساس الگوی اشباع نظری، ۱۶ تن از معلمان مشغول به فعالیت با استفاده از روش «مصاحبه نیمه‌ساختارمند» مورد مطالعه قرار گرفتند. داده‌ها با روش «آنالیز موضوعی» برای شناسایی دسته‌ها و زمینه‌های اساسی بررسی شد و پس از مشخص شدن رمزهای اصلی و مضامین برجسته آنها، افق‌های درونی و بیرونی ترسیم گردید و فضای نتیجه پژوهش طراحی شد. در بخش نتیجه‌گیری، با بهره‌گیری از روش «تحلیل» تصورات و تجربه دبیران شاغل مطالعه و مشخص شد. نتایج تحقیق ادراکات دبیران را در چهار مضمون اصلی دسته‌بندی کرده است: «اسوه دینی بودن»، «بسترسازی هویتی»، «توانایی تعامل و ارتباط مثبت با دیگران»، «توانایی تأثیر گذاشتن بر محیط و ذی‌نفعان»، «ظاهر شدن در نقش‌های چندگانه و رعایت اصول حرفه‌ای» دسته‌بندی کردند.

**کلیدواژه‌ها:** تصورات و ادراکات، تجربه زیسته، پدیدارنگاری، هویت دینی، متوسطه اول.

حفظ و ارتقای دین و اخلاق از جمله دغدغه‌های مهم تمام متولیان امور تربیتی و آموزشی کشور است؛ زیرا ثبات و حفظ انسجام و یکپارچگی جامعه و نیز الگوهای فرهنگی به شدت بستگی به ایجاد و استمرار رابطه متعادل میان دین و اخلاق دارد (آذربایجانی، ۱۳۸۷، ص ۱۷). بنابراین تمام دست‌اندرکاران نظام آموزشی و نیز استادان و پژوهشگران عرصه تعلیم و تربیت تلاش جدی برای ارتقای سطح دین‌داری جامعه، به‌ویژه جوانان و نوجوانان دارند.

شاید بتوان گفت: اهمیت دین و دین‌داری از آن روست که این مقولات مبنا و خاستگاه اصلی اخلاق به شمار می‌آیند و اخلاق نیز سنگ‌بنای نظام اجتماعی از یک سو و حفظ ثبات روانی، یکپارچگی شخصیتی و سلامت روانی افراد جامعه از سوی دیگر به شمار می‌آیند (ولف، ۱۳۸۶، ص ۳۵۳). با وجود افزایش و شدت یافتن فرایندهای توسعه و نوسازی، مذهب همچنان در تمام ابعاد خود به‌مثابه منبع مهمی برای هویت و معنابخشی در جهان متجدد و آشفته امروز به شمار می‌رود. برخلاف بعضی از آرا که مذهب را در نتیجه تداوم روند تجددگرایی، محوشده می‌پندارند، دین همچنان منبع اولیه معنا و هویت‌بخشی به بسیاری از مردم دنیا؛ همچون مسیحیان، مسلمانان، بوداییان و هندوان به شمار می‌رود (نادری و همکاران، ۱۳۹۴؛ به نقل از: روسپینگه، ۱۳۷۹، ص ۱۲۵).

می‌توان گفت: بنیادی‌ترین و اساسی‌ترین عاملی که می‌تواند تمام هویت‌ها را وحدت بخشد، «هویت دینی» است؛ زیرا انسان فطرتاً میل به خداجویی دارد و می‌تواند عامل وحدت‌بخش نوع انسان شود (اکبری، ۱۳۸۶، ص ۲۸۸). «هویت دینی» به رابطه انسان با دین و نسبتی که با آن پیدا می‌کند، اطلاق می‌شود. سنگ‌بنای هویت دینی تعهد و پابندی است (شرفی، ۱۳۷۴، ص ۹۵). «هویت دینی» یعنی: احساس تعهد به دین و احساس تعلق به جامعه دینی و در سطح وسیع‌تر، احساس تعلق به امتی که بدان دین پایبند است.

مهم‌ترین دستاورد هویت دینی پاسخ به سؤالات بنیادین آدمی و معنابخشی به زندگی و دارا شدن نگاهی جامع و کل‌نگر نسبت به انسان و جهان هستی است (ماهرزاده، ۱۳۹۲). در نظام‌های آموزشی، افراد زیادی مشغول به کارند و فعالیت‌های آنها به طور مستقیم یا غیرمستقیم در تربیت دانش‌آموزان مؤثر است؛ اما در این میان، نقش معلمان و مشاوران و دبیران تربیت بدنی از دیگر افراد بسیار برجسته‌تر می‌نماید؛ چنان‌که بیشتر اوقات را دانش‌آموزان در مدرسه زیر نظر آنها سپری می‌کنند و عوامل دیگر هم فراهم‌آورنده زمینه برای فعالیت معلم‌ها هستند. از این رو بسیاری از دانش‌آموختگان نظام آموزشی سنتی و جدید شکل‌گیری شخصیت خود را مرهون معلمان خود می‌دانند؛ زیرا آنچه در فرایند تعلیم و تربیت به متعلم انتقال می‌یابد تنها معلومات و مهارت‌های معلم نیست، بلکه تمام صفات، خلیقات، حالات نفسانی و رفتار ظاهری او نیز به شاگردان منتقل می‌شود (شرفی، ۱۳۹۵).

اگرچه معلم تنها یکی از عوامل مهمی است که عملکرد اجرایی دانش‌آموزان را تعیین می‌کند، اما ویژگی‌های معلمان در فرایندهای آموزش و یادگیری بسیار مهم هستند. بنابراین مهم است که آموزش معلم بر ویژگی‌های

ارتباطی تأکید کند و موجب اثربخشی معلم شود. این در حالی که برای توصیف «معلم اثربخش» ویژگی‌های متفاوتی ذکر شده، اما دانش محتوایی و مهارت‌های ارتباطی دور از نظر باقی مانده‌اند. آموزش معلم باید هر دوی اینها را پوشش دهد (متین و کیانی، ۱۳۹۷ص ۱۱).

رابطه دانش آموز با معلم یک رابطه باطنی و معنوی است. دانش آموز معلم را شخصیتی محترم و ممتاز می‌داند که او را در بزرگ شدن و به استقلال و آزادی رسیدن، و به عضویت رسمی جامعه درآمدن کمک می‌کند. معلم با روح و جان دانش آموز سروکار دارد و به همین سبب به‌عنوان یک الگوی محبوب و مطاع پذیرفته می‌شود. دانش آموز اگرچه قبلاً در محیط خانواده علوم و اطلاعات فراوانی را کسب نموده، رفتارهایی را آموخته و به اموری عادت کرده و تا حدی شخصیت او شکل گرفته، ولی هنوز شکل ثابت به خود نگرفته و تا حد زیادی قابل انعطاف و تغییر است. کودک و نوجوان در این سنین از محیط خانواده خارج می‌شود و به طور رسمی در اجتماعی جدید (یعنی مدرسه) پذیرفته می‌شود. دانش آموز در این اجتماع جدید فرصت می‌یابد تا افکار و اندوخته‌های دینی و رفتار و عادت‌های گذشته‌اش را بازنگری کند و شخصیت خویش را بسازد و تکمیل و تثبیت نماید.

بانفوذترین و محبوب‌ترین فردی که می‌تواند در این مرحله حساس او را یاری کند، معلم است. به همین سبب دانش آموزان معلم خود را به‌منزله یک الگو می‌پذیرند و از رفتار و گفتار و اخلاق خوب یا بد او سرمشق می‌گیرند و خود را با وی همانند می‌سازند؛ همچنین دانش آموزان همه اعمال و رفتار معلمان و مدیر و حتی سرایدار مدرسه را زیرنظر دارند و از آنها درس می‌گیرند. دانش آموزان از طرز برخورد و تعامل معلمان با مدیر، معلمان با یکدیگر، معلمان با خدمتکاران مدرسه و معلمان با دانش آموزان درس می‌گیرند.

از اخلاق و رفتار معلم، از طرز اداره کلاس، از رعایت عدل و انصاف در نمره دادن، از وقت‌شناسی و رعایت نظم، از دلسوزی و مهربانی، از خوشرویی و فروتنی، از دین‌داری و التزام به ضوابط شرعی، از اخلاق خوش و ادب او، از خیرخواهی و نועدوستی معلم درس‌ها می‌آموزند. همچنین از اخلاق و رفتار و کردار او متأثر می‌شوند و خود را با او همسان می‌سازند. بنابراین معلم فقط یک آموزگار نیست، بلکه مهم‌تر از آن، یک مربی و یک الگوی بانفوذ است. معلم تأثیر بسزایی بر رشد دانش آموزان دارد و والدین نیز به علت آنکه فرزندشان ساعاتی طولانی را در کنار معلم می‌گذارند، در انتخاب معلم حساسیت نشان می‌دهند.

معلم باید اطلاعات جامعی درباره دوره سنی و روان‌شناسی رشد دانش آموزان داشته باشد تا بتواند خواسته‌ها و نیازهای آنان را به خوبی پاسخ دهد؛ با صبر و حوصله و مهربان باشد و به روش‌های ارتباط با کودک مسلط باشد. ارتباط مثبت و عاطفی دانش آموزان و معلم ضروری است (مککلان و همکاران، ۲۰۱۶).

قصری (۱۳۸۹) مؤلفه‌های هویت دینی را پنج بعد هویت «دینی - اعتقادی»، هویت «دینی - ایمانی»، هویت «دینی - عبادی»، هویت «دینی - اخلاقی» و هویت «دینی - شرعی» ناظر به پیامدهای دین شاخص دارای مفهیم هویت دینی معرفی کرده و برای هر کدام مؤلفه‌هایی ذکر کرده است.

به مسئله دین و هویت دینی در کشور ما - به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی - عنایت جدی شده و تمام نهادهای اجتماعی و تربیتی مؤثر در این خصوص (مانند رسانه‌ها، فرهنگ عمومی، دانشگاه‌ها و...) در این زمینه بسیج و به‌کار گرفته شده‌اند؛ همچنین نظام آموزش و پرورش نیز به صورت تلویحی و نیز رسمی و آشکار به دنبال ارتقای دین‌داری و هویت دینی دانش‌آموزان بوده است (سلیمانی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۶).

بر این اساس، بررسی کم و کیف و میزان اثرگذاری نهادهای رسمی و غیررسمی بر هویت دینی نسل جوان و نوجوان حائز اهمیت فراوان است؛ زیرا نتایج این‌گونه مطالعات - در واقع - نوعی ارزیابی عملکرد و پیامدسنجی تدابیر و سیاست‌های به‌کارگرفته‌شده تلقی می‌شود. از این‌رو دست‌یازیدن به مطالعاتی از این دست در پژوهش‌های تربیتی و روان‌شناختی ضروری به نظر می‌رسد. از جمله نیازهای پژوهشی در حوزه مطالعات هویت و نیز مطالعات دینی در جامعه ایران بررسی نقش و جایگاه نهادهای آموزشی و تربیتی، به‌ویژه نقش معلمان در تکوین هویت دینی است؛ زیرا معلمان نقش کلیدی و محوری در تمام نظام‌های آموزشی را به عهده دارند (کاشانی، ۱۳۹۲، ص ۱۸۵).

شاید بتوان گفت: تمام تلاش‌ها و سیاست‌های تربیتی در نهایت، باید توسط دبیران و معلمان به سرانجام رسد و تبلور یابد.

دیویی معتقد است: مدرسه مقدمه زندگی نیست، بلکه نمودار یک اجتماع کوچک است. بچه‌ها باید همکاری، کارگروهی، اشتراک مساعی، دموکراسی، راهنما و دوست بودن را تجربه کنند. بنابراین تعلیم و تربیت «فرایند زندگی کردن است، نه آمادگی برای زندگی آینده» (اولیچ، ۱۳۷۵، ص ۱۵۴).

ون منن (۲۰۰۶) این سؤال را مطرح می‌کند که چگونه تربیت می‌تواند عملکرد یک انسان را تحت تأثیر قرار دهد و عملکرد فرهنگی ارزشمندی را بر جای گذارد؟

این چشم‌انداز و رویکرد به‌ظاهر غیرمعمول در یک ارتباط دوستانه والدین در فرایند تربیت به‌دست می‌آید. این ارتباط به‌منزله یک منبع برای کشف و استنباط تربیتی، بینش‌هایی را که معتقد به یک نگاه کل‌نگرانه در زندگی مریبان و بچه‌هاست، فراهم می‌آورد. حقایقی که معلمان و بچه‌ها از تجارب آموزشی معنادار خود بیان می‌کنند به نظر می‌آید اغلب در حاشیه یا خارج از تجارب برنامه‌ریزی‌شده روزانه در یک کلاس درس اتفاق افتاده است (کشتی آرای، ۱۳۸۷، ص ۱۱۴)

انتقال ارزش‌های دینی به نسل جوان و دانش‌آموز در نظام تربیتی کشور ما یک اصل مهم تلقی می‌شود و این از آنجا ناشی می‌گردد که دین و ارزش‌های دینی جوهر و اساس نظم اجتماعی و ثبات روانی محسوب می‌شود (آذربایجانی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۴). به‌عبارت‌دیگر از نگاه رسمی و در نظام آموزش و پرورش، هویت دینی و ایمان دینی موجب بالندگی افراد و آرامش ذهنی آنها گردیده، تعهد افراد به اصول اخلاقی را تقویت می‌کند. بر این اساس

بخش زیادی از آموزش‌های رسمی و غیررسمی در آموزش و پرورش جوامع (به‌ویژه در جمهوری اسلامی) به انتقال ارزش‌های دینی اختصاص داده می‌شود (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰، ص ۲۵).

از مجموع ابزارها و عوامل و نهادهای مؤثر بر تقویت دینی، یکی از مهم‌ترین ابزارها برای تقویت هویت دینی دانش‌آموزان، دبیران و برنامه‌های درسی هستند. در واقع دبیران در کنار اداره کلاس، آموزش، مشاوره و راهنمایی، به صورت غیررسمی و غیرمستقیم نقش مهمی در الگودهی به دانش‌آموزان و ترغیب آنها به اکتساب و تقویت دینی و ایمان دینی ایفا می‌کنند (همان، ص ۱۵۶).

از این رو اگر دبیران دانش‌آموزان را به رفتارها، صفات و نگرش‌هایی خاص دعوت کنند، ولی خود در عمل به آنها پایبند نباشند، آموزش‌های شفاهی آنان نیز تأثیر نخواهد گذاشت. آگاهی از درک و نگرش دبیران در مدرسه بهترین راه تشخیص رفتار مشارکتی آنها در فعالیت‌های یاددهی و یادگیری است و سهم عمده‌ای در توسعه سبک زندگی فعال کودکان آینده جامعه دارد.

با توجه به این موضوعات، هدف این پژوهش ارائه شواهد و مستندات است که معنای «هویت دینی» را از زبان دبیران متوسطه اول بازنمایی می‌کند. در این زمینه سعی شده است تا با مرور و مطالعه نگرش، تصورات، تجربیات و ایده‌های آنان، مفهوم «هویت دینی» بازنمایی شود. برای این کار، با آشکارسازی نگاه و ایده دبیران با سابقه آموزشی حداقل ۱۵ و حداکثر ۲۵ سال به بررسی این موضوع پرداخته شده است که آنان مفهوم «هویت دینی» را چگونه درک کرده‌اند؟ و اینکه چه تفسیر ویژه‌ای از مفهوم «هویت دینی دانش‌آموزان» دارند؟

پژوهش‌ها و منابع تجربی موجود در خصوص هویت در ایران، بیشتر هویت جمعی را مدنظر قرار داده‌اند و تحقیقات انجام شده درباره هویت فردی بسیار است. بیشتر تحقیقات انجام شده درباره این موضوع در حوزه روانشناسی و با الهام از نظریه مارسایا و طبقه‌بندی هویت فردی به عنوان هویت مشوش، هویت معلق و هویت موفق و ارتباط مشخصه‌ها و ویژگی‌های شخصیتی با این طبقه‌بندی انجام شده است.

شکرکن و همکاران (۱۳۸۰) بین وضعیت هویت از نظر نحوه توزیع افراد در چهار حالات هویت سردرگم، زودهنگام، مهلت خواه و کسب شده و همچنین ابعاد هویت - اعتقادی و روابط بین فردی در بین دانشجویان تفاوت معنی‌دار مشاهده کردند.

شاکری و همکاران (۱۳۸۶) در بررسی نقش سبک‌های هویت و تعهد هویت بر بهزیستی روان‌شناختی به این نتیجه رسیدند که سبک هویت اطلاعاتی بر تعهد، استقلال، تسلط محیطی، رشد فردی، روابط مثبت با دیگران تأثیر دارد و هدف در زندگی اثر مثبت، سبک هویت هنجاری بر تاهد اثر مثبت و بر استقلال اثر منفی، و سبک هویت سردرگم/ اجتنابی بر تعهد، استقلال، رشد فردی و هدف در زندگی اثر منفی دارد. از طرف دیگر، در داخل کشور و در حوزه جامعه‌شناسی مطالعات متعددی در خصوص نقش مؤلفه‌های گوناگون در هویت فردی و اجتماعی انجام شده است. رفعت‌جاه در بحث از هویت زنان بین تحصیلات، ارزش‌ها و نگرش‌ها، سبک زندگی و هویت شخصی (۱۳۸۳) شالچی بین مناسک مذهبی (۱۳۸۴)؛ عزیززاده بین سرمایه اجتماعی و فرهنگی (۱۳۸۴) با هویت فردی روابط معناداری یافته‌اند.

بنی نصرت (۱۳۹۱) در مطالعه نقش ورزش در شکل‌گیری هویت ورزشکاران در مقایسه با افراد غیرورزشکار، به این نتیجه دست یافت که میانگین متغیرهای حس رقابت‌جویی، اعتمادبه‌نفس و تعلق گروهی با توجه به سطح عملکرد ورزشی تفاوت معناداری دارند؛ همچنین هویت غالب در سطوح بالاتر از نوع اجتماعی و در سطح پایین‌تر فردی بود. در سطوح بالاتر ورزشی نیز همگنی بیشتری بین هویت فردی و اجتماعی مشاهده شد.

برجلی و همکاران (۱۳۹۲) در بررسی رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و هویت فردی، و تعیین نقش این عامل در پیش‌بینی هویت پایدار، میان جهت‌گیری مذهبی و هویت فردی، رابطه معنادار مشاهده کردند. برطبق نتایج این پژوهش، ۲۳/۹ درصد هویت فردی، بر اساس جهت‌گیری مذهبی قابل تبیین است؛ به گونه‌ای که هم‌زیر مقیاس اخلاق و هم‌زیر مقیاس عقاید و مناسک پیش‌بینی‌کننده‌های دین‌پداری در تعیین هویت فردی به شمار می‌آیند. علاوه بر این، دختران نمرات بالاتری را نسبت به پسران در مقیاس جهت‌گیری مذهبی داشتند. در مقابل، پسران هویت فردی شکل یافته‌تری را دارا بودند.

### روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه یک پژوهش «پدیده‌نگاری» است؛ زیرا در پی توصیف درک افراد از یک پدیده خاص و کشف تغییرات در تجربه آنان درباره آن پدیده یا روش‌های درک و شناخت بعضی از جنبه‌های جهان اطراف است. گستره پژوهش شامل دبیران دوره اول متوسطه شاغل در آموزش و پرورش شهرستان میناب استان هرمزگان است که سابقه کاری بین ۱۵ تا ۲۵ سال دارند؛ زیرا انتظار بر این است که پس از ۱۵ سال تدریس، دبیران از تجاربی که در طول تحصیل فراگرفته‌اند در آموزش و کلاس درس استفاده کنند.

مشارکت‌کنندگان با روش «نمونه‌گیری هدفمند» و با استفاده از مشخصه سابقه کاری و تدریس دروس و قابلیت بیان احساسات و تجارب انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، «مصاحبه عمیق» بود که با تک‌تک مصاحبه‌شوندگان به فاصله‌های زمانی ۴۵ دقیقه تا ۱/۳۰ ساعت انجام گرفت. فرایند مصاحبه‌ها تا زمان رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت که در نهایت با ۱۶ تن از دبیران متوسطه اول مصاحبه انجام گرفت.

سؤالات اصلی مصاحبه به گونه‌ای طراحی شدند که بتوانند دیدگاه‌های متنوع بیان شده از سوی پاسخ‌دهندگان را درباره پدیده مورد مطالعه استخراج کنند. در کنار سؤالات اصلی، سؤالات فرعی یا جزئی مصاحبه‌ها، اجازه می‌دهد تا پژوهشگر اقدامات لازم را برای بررسی و پیگیری پاسخ‌های مطرح‌شده از سوی پاسخ‌دهندگان و استخراج نکات کلیدی انجام دهد؛ مثلاً در این پژوهش، از مشارکت‌کنندگان پرسیده شد:

– منظور از «هویت دینی» چیست؟

– چه ویژگی‌هایی را برای «دانش‌آموز دارای هویت دینی» می‌توان برشمرد؟

– مدارس و دبیران به منظور شکل‌گیری هویت دینی دانش‌آموزان، باید چه کنند؟

در پژوهش‌های پدیدارنگارانه، از روش‌های متعددی برای تحلیل داده‌ها و ترسیم نمای کلی پژوهش استفاده می‌شود که در این تحقیق، مراحل ذیل به اقتباس از انتویسل و مارتون (۲۰۱۹). برای تحلیل داده‌ها طی شده است:

- بازنویسی و پیاده‌سازی متن مصاحبه‌ها؛

- تجزیه و تحلیل رونوشت مصاحبه‌های انجام‌شده از سوی سه داور و ارزیاب مستقل که از میان دبیران مجرب و متخصصان برنامه درسی و علوم تربیتی انتخاب شدند؛

- رمزگذاری مصاحبه‌های پیاده‌شده حول سؤالات اصلی پژوهش؛

- برجسته‌سازی مهم‌ترین اظهارنظرها در هر یادداشت که خود این مفاهیم تبدیل به واحدهای تحلیل شدند؛

- گروه‌بندی مهم‌ترین نظرات و تعیین مقوله‌ها، زمینه‌های موضوعی، مضامین و مشخص نمودن طبقات توصیفی حاصل از این موارد (این کار از طریق شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌ها و همچنین براساس تعیین میزان اهمیت و فراوانی این مضامین انجام گرفت)؛

- شناسایی موضوعات و مضامینی که در نهایت، ادراک و تصور هر مصاحبه‌شونده را معین می‌سازد؛

- انتخاب کردن بخش‌هایی از پاسخ‌ها برای ارائه نقل‌قول‌هایی که دربرگیرنده برجسته‌ترین مفاهیم هستند.

پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، به منظور تحلیل منظم و منطقی داده‌ها، با بهره‌گیری از روش «رمزگذاری باز» عمل «رمزگذاری» انجام شد.

نمونه‌ای از رمزگذاری‌های انجام‌شده براساس بخشی از یک مصاحبه را در شکل می‌بینید. نتایج این پژوهش بیانگر طبقات توصیفی، زمینه‌های موضوعی و مفاهیمی است که در آن، دبیران، نظرات و تصورات و ایده‌های خود را درباره مفهوم «هویت دینی» بیان می‌کنند.

بخش پایانی پژوهش به ترسیم فضای نتیجه برای هر دو گروه از مصاحبه‌شوندگان و مقایسه نظرات این دو دسته از افراد اختصاص دارد:

- دبیران دارای تجربه کاری چه برداشتی از هویت دینی دارند؟

- چگونه می‌توان فضای نتیجه را برای هویت دینی دانش‌آموزان ترسیم کرد؟

### **یافته‌های پژوهش**

این بخش از مقاله در دو مرحله ارائه می‌شود: مرحله اول تمرکز بر مفهوم «هویت دینی» از دیدگاه دبیران، و بخش دوم بررسی ایده‌ها، تصورات و فهم دبیرانی است که - دست کم - دارای تجارب آموزشی بالایی هستند تا بتوان مفهوم «هویت دینی» را از نظر آنان بررسی کرد. در پایان هر بخش، فضای نتیجه حاصل از تحلیل داده‌ها ترسیم شده است. ادراک و تصورات دبیران از «هویت دینی» در این بخش، از مضامین و طبقات توصیفی حاصل شده از تحلیل یافته‌ها ارائه و تبیین شده که نشانگر گونه‌ها و روش‌های متعددی است که دبیران آن را بازنمایی کرده‌اند.



جدول ۱: مضامین و طبقات حاصل از ادراکات و تصورات دبیران از هویت دینی

زمینه اصلی	شرح مقوله	مصاحبه‌شوندگان
ارتباط	رابطه فرد با معبود خویش یک رابطه مستقیم، بی‌واسطه و درونی است. در جریان این رویارویی مستقیم با نیروی برتر است که فرد هویت می‌یابد.	۱،۳،۸،۱۱
تجربه	فرد درگیر تجربه دینی منحصر به فرد بوده و در جریان این تجربه است که هویت می‌یابد.	۲،۵،۶،۱۱،۱۴
دلمشغولی	مشغول امری درونی و معطوف نیات و انگیزه، به احساسات‌های معنوی است.	۳،۴،۷،۹،۱۱،۱۴
فضا و مکان	فضاهای معنوی که بچه‌ها تجربه می‌کنند، می‌تواند زمینه‌ساز هویت‌ها باشد.	۱،۲،۴،۶،۷،۹،۱۴
نماد و تمثال	تصاویر، نمادها و اداها هویت‌ساز هستند.	۱،۳،۵،۶،۷،۸،۱۳،۱۴
معنی و کشف شخصی	فرد خود را در پیوندی که با معبودش دارد معنا می‌کند و با میل و جاذبه فطری و درکی که خود پیدا می‌کند خدا را می‌شناسد.	۱،۳،۴،۶،۹،۱۱،۱۴
توانمندی دینی	فرد به این موضوع قایل است که دستاورد اعتقادش به یک نیروی برتر، سعادت دنیا و آخرت را نصیبش می‌کند.	۱،۳،۵،۴،۸،۱۱
آگاهی و شناخت دینی	رابطه فرد با خدا یک رابطه آگاهانه و شخصی است؛ یعنی براساس آگاهی و شناختی که از دین پیدا کرده در وی تبلور می‌یابد.	۲،۳،۵،۷،۹،۱۳
غوطه‌وری	چارچوب فعالیت دینی فرد یک چارچوب معنوی و دینی است که انجام عمل موجب آن می‌شود.	۱،۳،۴،۵،۶،۹،۱۱
تأییدپذیری	قداست و حرمت معبود برای فرد مورد تأیید است.	۱،۳،۵،۸،۱۴

### ۱.۱ ارتباط

«ارتباط» یعنی: تعامل بی‌واسطه فرد با یک قدرت که کاملاً فطری و درونی است. میل به ارتباط معنوی یک رابطه قلبی و مستقیم است؛ زیرا فرد می‌داند با یک نیروی برتر ارتباط برقرار می‌کند، از این رو به آرامش می‌رسد. در این باره یکی از دبیران می‌گفت: من حس می‌کنم «هویت دینی» یعنی اینکه فرد بداند چه رابطه‌ای با دین دارد، و رابطه او با دین معین شود.

یکی از راه‌های تشکیل هویت از نظر گلاسر (Gelaser)، داشتن ارتباط و درگیری عاطفی با خود و دیگران است. اساس تشکیل هویت، تلاش‌ها و فعالیت‌هایی است که ما علاقه‌مندیم انجام دهیم و در مقابل آن تلاش‌ها، درمی‌یابیم که هستیم. برداشت‌ها و نظرات دیگران نیز در روشن کردن هویت، نقش عمده‌ای دارد. ارزشیابی‌های ما از خودمان در ارتباط با شرایط زندگی، اوضاع اجتماعی و اقتصادی نیز تعیین‌کننده هویت ماست (سبحانجو، ۱۳۸۹، ص ۳۹۶). به‌طور کلی روان‌شناسان و نظریه‌پردازان شخصیت «هویت» را در درجه نخست امری فردی و شخصی می‌دانند. از این دیدگاه، هویت عبارت از: «احساس تمایز شخصی، احساس تداوم شخصی و احساس استقلال شخصی» است (اولسون، ۲۰۰۲، ص ۹).

از سوی دیگر، ویژگی مهم هویت «چندلایه بودن» است؛ مانند منظومه شمسی که فرد به‌منزله مرکز منظومه و لایه‌های هویت همچون مدارهای آن هستند (ابولحسنی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۴).

مفهوم «هویت» اساساً به درک و فهم افراد از خودشان به‌عنوان یک وجود مشخص و متمایز، اشاره دارد (هرسیچ و توپسرکائی، ۱۳۸۹، به نقل از: کوت و لوین، ۲۰۰۲).

«هویت» شیوه‌ای است که فرد خودش را تعریف می‌کند و بازمی‌شناسد (اولسون، ۲۰۰۲). بنابراین، هم شناخت خویش است و هم معرفی خود به دیگران (احمدی، ۱۳۸۶).

## ۲. تجربه

«تجربه» یعنی: انجام عملی که فرد یک بار انجام می‌دهد. انجام فعالیت‌های دینی و مذهبی می‌تواند برای فرد تجربه ایجاد کند و این تجربه زمینه‌ساز هویت فرد می‌شود.

هویت با تقویت وجه تمایز فرد با دیگران، مجموعه‌ای از خصایل فردی را در فرد پدید می‌آورد که جزئی از معنا و هستی وجود او تلقی می‌شود که فرد به اعتبار آن و با اتکا به آن می‌تواند خود را از دیگران متمایز بداند و برای خود، حق و قدرت انتخاب قائل شود و توان برقراری ارتباط با دیگران را در خود احساس نماید (سجادی، ۱۳۸۳).

مصاحبه‌شونده دیگری در این باره می‌گوید: «وقتی فردی در انجام یکی از فعالیت‌های دینی تجربه کسب می‌کند این تجارب اولیه می‌تواند زمینه‌ساز هویت دینی وی شود» (مصاحبه‌شونده ۵، ۱۱، ۲۰).

## ۳. دلمشغولی

هر کس برحسب اینکه چه قصد و نیتی داشته باشد همواره احساسات متفاوتی را تجربه می‌کند و به نوعی دلمشغولی برایش ایجاد می‌شود. انسان‌ها، چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی نسبت به خود، دیگران، محیط و زندگی، بینش‌ها و باورهای دارند. این باورها، اعم از آنکه درست باشد یا نادرست، حق باشد یا باطل، منشأ پیدایش اخلاق، احساس و رفتار خاص در انسان‌ها می‌گردد؛ یعنی هر انسانی براساس ساختار شخصیت خود رفتار می‌کند.

عنصر اساسی و زیربنای شخصیت «عقیده و باور» است. پس عقیده همچون سایر عوامل ایجاد هویت و تشخص، قوی‌ترین عامل بوده و در انسان برجسته‌ترین هویت ناشی از عقیده و باور است که تمام هویت‌های دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد و گاهی از بین می‌برد.

به اعتقاد امام موسی صدر چهار عامل «انسانیت»، «ملیت»، «قومیت» و «عقیده» مهم‌ترین عوامل هویت‌ساز و شخصیت‌آفرین برای انسان است. شاید بتوان گفت: «هویت دینی» از مهم‌ترین عناصر ایجادکننده همگنی و همبستگی اجتماعی در سطح جوامع است که طی فرایندی با ایجاد تعلق خاطر به دین و مذهب در بین افراد جامعه، نقش مهمی در ایجاد و شکل‌گیری هویت معین دارد و به عبارت دیگر، عملیات تشابه‌سازی و تمایزبخشی را انجام می‌دهد (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۸).

بنا به فرمایش امام رضا، «ایمان» از جمله عناصر اصلی در تشکیل هویت حقیقی انسان است (تحف العقول، ص ۴۴۶).

یکی از دبیران در این باره می‌گفت: بسیاری از دانش‌آموزان می‌گویند: موقع امتحانات برای اینکه موفق باشند نذر می‌کنند، نماز می‌خوانند و برخی در اماکن مذهبی و زیارتگاه‌ها عبادت می‌کنند و همیشه قلب و ذهنشان درگیر این موضوع است (مصاحبه‌شونده ۳،۴،۷،۹،۱۱).

#### ۴. فضا و مکان

«فضا» یعنی: جایی که فعالیتی انجام می‌شود. مکان و فضایی که فرد تجربه می‌کند، می‌تواند بر روند هویت‌یابی فرد مؤثر باشد. از نگاه پدیدارشناسان، «حس مکان» به معنای مرتبط شدن با مکان، به واسطه درک نمادها و فعالیت‌های روزمره است. این حس می‌تواند در مکان زندگی فرد به وجود آید و با گذر زمان، عمق و گسترش یابد (رلف، ۱۹۷۶). ارزش‌های فردی و جمعی بر چگونگی حس مکان تأثیر می‌گذارد و حس مکان نیز بر ارزش‌ها، نگرش‌ها و به‌ویژه رفتار فردی و اجتماعی افراد در مکان تأثیر می‌گذارد و افراد معمولاً در فعالیت‌های اجتماعی با توجه به چگونگی حس مکانشان شرکت می‌کنند (کانتر، ۱۹۷۱).

حس مکان، نه فقط موجب هماهنگی و کارکرد مناسب فضای معماری و انسان است، بلکه عاملی برای احساس امنیت، لذت و ادراک عاطفی افراد نیز به شمار می‌آید و به هویت‌مندی افراد و احساس تعلق آنها به مکان کمک می‌کند. در این باره یکی از دبیران می‌گفت: معمولاً دانش‌آموزان می‌گویند: ما وقتی در نمازخانه هستیم یا به مسجد می‌رویم احساس آرامش پیدا می‌کنیم (مصاحبه‌شونده ۱،۶،۷،۹،۱۴).

#### ۵. نماد و تمثال

علائم و نشانه‌ها همواره حامل پیام‌هایی هستند که ما از آنها به عنوان «نماد» استفاده می‌کنیم. بسیاری از پیام‌ها از طریق تمثال و تصویر و ادا انتقال می‌یابد. در این باره یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گفت: دانش‌آموزان از تمثال امام حسین و حضرت ابوالفضل به‌مثابه یک رابطه معنوی نام می‌برند و آن را قبول دارند.

«نماد» به چیزی گفته می‌شود که به جای چیز دیگری قرار گرفته باشد. به عبارت دیگر، چیزی است که معنای خود را بدهد و جانسپین چیز دیگری نیز بشود یا چیز دیگری را القا کند؛ مثلاً، وقتی از «شب» حرف می‌زنیم و تاریکی را توصیف می‌کنیم، از آن معنایی وسیع‌تر و عمیق‌تر از معنای ظاهری آن می‌گیریم. واژه «شب» غیر از تاریکی «نماد» خفقان و استبداد نیز هست. در واقع در نمادگرایی از «محسوس و عینی»، مفهوم نامحسوس و ذهنی را اراده می‌کنیم. نمادها می‌توانند به‌صورت نشانه‌ای بیابند؛ مثل پرچم که تکه‌ای پارچه است، ولی در عین حال نماد یک کشور به شمار می‌آید.

نماد می‌تواند به‌صورت واژه‌ای بیاید؛ مثل «آب» که نماد تطهیر و «تاج» که نماد قدرت است. نماد می‌تواند به صورت عبارت بیاید؛ مثلاً وقتی مادری می‌گوید: «گل من پرپر شد»، خبر از مرگ بچه‌اش می‌دهد (پارسانسب و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۴۸).

براساس گفته‌های مصاحبه‌شوندگان تصویر می‌تواند اثری قوی بر ساختار ذهنی فرد داشته باشد (مصاحبه‌شوندگان ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷).

### ۶. معنی و کشش شخصی

از طریق ارتباطی که فرد پیدا می‌کند جاذبه‌ای در او ایجاد می‌شود. همواره در ارتباط معنوی فرد با معبودش پیوند عمیقی از طریق درکی که پیدا می‌کند، به وجود می‌آید.

هویت در این معنا به ویژگی «یکتایی»، یعنی تفاوت‌های اساسی که یک شخص را از همه کسان دیگر به واسطه هویت «خودش» متمایز می‌کند، اشاره دارد و در معنای دیگر، به ویژگی «همسانی» که در آن اشخاص می‌توانند به هم پیوسته باشند و یا از طریق گروه یا مقولات براساس صور مشترک برجسته‌ای، نظیر ویژگی‌های قومی به دیگران ببینند، دلالت دارد (قادری و مصطفایی، ۱۳۹۱، ص ۶۱).

هویت به درک و تلقی مردم از اینکه چه کسی هستند و چه چیزی برایشان معنادار است، مربوط می‌شود. این درک در پیوند با خصوصیات معینی شکل می‌گیرد که بر سایر منابع معنایی اولویت دارند (مرشدی زاده و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۶۱). در این باره مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کردند: وقتی عبادت می‌کنیم حس خوبی به ما دست می‌دهد. آرامش عجیبی پیدا می‌کنیم! (مصاحبه‌شوندگان ۱۴، ۱۱، ۹، ۴، ۳، ۱).

### ۷. توانمندی دینی

«قدرت» یعنی: میزان توانایی که از انجام کار یا برای انجام کاری برای کسی پیدا می‌شود. او به این موضوع قائل است که دستاورد اعتقادش به یک نیروی برتر، سعادت دنیا و آخرت را نصیبش می‌کند.

مارسیا (Marsiya) معتقد است: هویت می‌تواند به‌عنوان ساختار خود در نظر گرفته شود؛ ساختاری که عبارت است از: یک سازمان پویا، خودساخته و درونی از کشاننده‌ها، توانایی‌ها، باورها و تاریخچه فردی. تحول این ساختار زمانی است که افراد نسبت به یگانگی‌ها و شباهت‌هایشان با دیگران و نقاط ضعف و قوت خود در روش‌هایی که در جهان اتخاذ می‌کنند آگاه‌تر باشند و تکیه بیشتری بر منافع بیرونی برای ارزشیابی خود داشته باشند (مریی، ۱۳۸۷).

در این باره مصاحبه‌شوندگان بیان می‌داشتند: من برای اینکه بتوانم به سعادت برسیم اعمال دینی را انجام می‌دهم و اعتقاد قلبی دارم به اینکه خدا کوچک‌ترین عمل ما را بی‌جواب نمی‌گذارد (مصاحبه‌شوندگان ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷).

### ۸. آگاهی و شناخت دینی

این موضوع به کسب اطلاعات و دانش شناختی فرد اشاره دارد. هرچه فردی نسبت به موضوعی آگاهی بیشتر داشته باشد در میزان انتخاب و تصمیم‌گیری وی مؤثرتر خواهد بود. رابطه فرد با خدا یک رابطه آگاهانه و شخصی است؛ یعنی فرد آگاهی و شناختی را که از دین پیدا کرده است در وی تبلور می‌یابد.

اسلام آفرینش انسان را هدفمند معرفی می‌کند و هدف از خلقت انسان را عبادت و بندگی خدا و رسیدن به قرب ربوبی که کمال نهایی انسان است، بیان می‌نماید. انسان کامل از نظر قرآن کسی است که به قرب خدا رسیده؛ یعنی حضور خدا را در همه جا با علم حضوری کشف کرده و خود را کاملاً وابسته به خدا می‌بیند. قطعاً چنین کسی محبوب درگاه الهی است (سعادت‌فر، ۱۳۸۷، ص ۲۳۴).

از نظر امام موسی صدر، قالب‌های تمایزبخش و شخصیت‌ساز متعدد و گوناگون است و انسان در هریک از آن قالب‌ها، هویت جداگانه می‌یابد. در نتیجه برای هر انسان یا مجموعه انسانی هویت‌های گوناگونی وجود دارد. انسان موجودی متمایز و متفاوت از موجودات دیگر است. آنچه این تفاوت را ایجاد کرده مجموعه ویژگی‌هایی است که برخی به جسم و برخی دیگر به روح او مربوط می‌شود. از نظر جسمی او موجودی است راست‌قامت با پیشانی پهن، که با دو پا راه می‌رود و از پوست صاف و کم‌مو برخوردار است. اما از نظر روحی مجموعه‌ای از گرایش‌ها، توانمندی‌ها، تمایلات و مهم‌ترین آنها تعقل، تعالی‌طلبی، حقیقت‌جویی و زیبایی‌دوستی دارد. مجموعه ویژگی‌های جسمی و روحی انسان که وی را از دیگران متفاوت می‌سازد «انسانیت» نامیده می‌شود که به اصطلاح فیلسوفان، نوع انسان را در برابر انواع دیگر رقم می‌زند. پس نخستین هویت انسان، «انسانیت» اوست.

انسان حیوانی است که با دو امتیاز «علم» و «ایمان» از دیگر جانداران امتیاز یافته است (سعادت‌فر، ۱۳۸۷، ص ۱۴). به تعبیر امیرمؤمنان علی: «الصورة صورة انسان و القلب حیوان»؛ ارزش‌های انسان ارزش‌های بالقوه هستند که اگر در انسان به فعلیت برسد او را به مقام انسان واقعی می‌رساند (سعادت‌فر، ۱۳۸۷، ص ۱۲۳).

به نظر شهید مطهری اگر انسان استعداد‌های خود را به فعلیت برساند شایسته نام «انسانیت» خواهد بود و اگر آن استعدادها را به فعلیت نرساند و یا تحت تأثیر عوامل بیرونی فعلیتی غیر از آن فعلیتی که باید باشد، حاصل شود، به تعبیر وی انسان موجودی مسخ شده خواهد بود (سعادت‌فر، ۱۳۸۷، ص ۱۶۶).

در اسلام انسان محور است. پیامبر اکرم می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» (صلواتی، ۱۳۸۲، ص ۱)؛ هر کس به خودشناسی برسد در حقیقت، به خداشناسی دست یافته است. هر کس پروردگارش را فراموش کند، خود را فراموش کرده و در نتیجه، برای روز واپسین خود توشه‌ای نیندوخته است.

در نهایت، آن چیزی که از نگاه اسلام برای انسان مهم است، نجات خودش است. از منظر اسلام، دستیابی به حقیقت شخص که همان «هویت انسانی» است، با خودشناسی محقق می‌گردد. از امام باقر<sup>(ع)</sup> روایت شده است که فرمودند: «هیچ شناختی همچون شناخت خویشتن نیست» (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲، ص ۱۳).

قرآن کریم با تبیین امور واقعی انسان و جداسازی آنها از امور ظاهری، هویت حقیقی آدمی را به تصویر می‌کشد و راه حرکت انسان به سوی این هویت حقیقی را هموار می‌سازد. امور ظاهری اصالت ندارند و در هویت پایدار انسان، نقشی ایفا نمی‌کنند. چیزی در هویت حقیقی انسان نقش‌آفرین است همواره باید با او باشد و مرگ و برزخ و نیز بهشت و دوزخ نیز آن را از انسان جدا نسازد.

قرآن کریم در این باره از سه عنصر اساسی «اعتقاد» و «اخلاق» و «اعمال» یاد می‌کند و آنها را از ارکان سازنده هویت انسان می‌شمارد. اگر آن عنصرهای سه‌گانه (یعنی اعتقاد و اخلاق و اعمال) براساس آموزه‌های پیامبران الهی شکل گیرد، از مجموع آنها با نام «دین» تعبیر می‌شود و در تنها آیین رسمی در پیشگاه خدا، یعنی «اسلام» حاصل می‌گردد: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران: ۱۹)، و کسی که واجد عناصر محوری مزبور باشد انسان خواهد بود. در این باره مضمون سخن مصاحبه‌شوندگان این است: ما اصول دین و فروع دین را می‌شناسیم. برای همین سعی می‌کنیم نسبت به انجام فرایض دینی اهتمام ویژه‌ای داشته باشیم (مصاحبه‌شوندگان ۲، ۳، ۹، ۱۱).

### ۹. غوطه‌وری دینی

«غوطه‌وری دینی» یعنی: احاطه کردن موضوعات و فعالیت‌هایی که برای یک فرد اتفاق می‌افتد. چارچوب فعالیت دینی فرد یک چارچوب معنوی و دینی است که فرد در انجام آن غوطه‌ور است.

دین با قواعد کلی و عمومی به بهره بردن از عقل و اندیشه و تجربه بشری توصیه می‌کند و یافتن راهکارهای عملی را به انسان واگذار می‌نماید. در توضیح مراحل رشد هویت از بعد دینی، دو محرک اصلی «عقل» و «نفس» وجود دارد. «نفس» همان مجموعه گرایش‌های انسان نسبت به محرک‌های خوشایند و دافعه‌های او نسبت به محرک‌های ناخوشایند است. هریک از این نفوس (نفس اماره، نفس لوامه، نفس مطمئنه) شخصیت انسان را در مرحله‌ای خاص قرار می‌دهد. کسی که صاحب نفس اماره است، محرک اعمالش در این مرحله، محرک‌های نفسانی است. کسی که در مرحله نفس لوامه است، محرک بسیاری از رفتارهای او نفس است؛ اما عقل با آگاهی و استدلال، برخی اعمال را زیرسؤال می‌برد و کارهای او را سرزنش می‌کند. نفس مطمئنه هم تحت سیطره کامل عقل درآمده و عقل است که اعمال و رفتار را تعیین می‌کند (احمدی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۲-۱۳۴).

اگر آدمی ودیعه‌های الهی را به کار گیرد و دعوت انبیاء را بشنود و روزنه قلبش را به روی امدادهای الهی بگشاید، بی‌شک زندگی سرشار از سرور و خرسندی پیش‌رو خواهد داشت و از دغدغه‌های حاصل از بحران هویت در امان خواهد ماند. ضرورت وجود دین و پابندی به آن برای برخی روان‌شناسان نیز آشکار شده است.

در این باره مصاحبه‌شوندگان بیان داشتند: در خانه ما همه افراد خانواده نماز می‌خوانند و مشاهده فعالیت‌های اطراف ما باعث کشش می‌شود و این چارچوبی است که انجام غیر از آن مطلوب اطرافیان نیست (مصاحبه‌شوندگان ۱، ۳، ۵، ۶، ۹، ۱۱).

### ۱۰. تأییدپذیری

«تأییدپذیری» یعنی: جای هیچ شک و شبهه‌ای برای فرد به جا نمی‌ماند و قداست و حرمت معبود برای فرد مورد تأیید است. یکی از نظریه‌پردازان هویت اجتماعی *تاجفل* است. وی در سال ۱۹۷۸ نظریه «هویت اجتماعی» خود را مطرح کرد. اساس نظریه تاجفل توجه به جنبه‌هایی از هویت است که از عضویت گروهی ناشی می‌شود. به نظر وی، اجتماع از افرادی تشکیل شده است که با هم براساس پایگاه و قدرتشان رابطه دارند و ساختار این ارتباط

گروهی برای شکل‌بندی هویت دارای اهمیت است. از نظر تاجفل «هویت اجتماعی» عبارت است از: یک خود مفهومی ناشی از عضویت درون‌گروهی در یک گروه اجتماعی همراه با احساسات، ارزش‌ها و تماس‌های عاطفی با دیگر اعضا که این احساس موجب تعلق فرد به گروه شده، باعث می‌شود خود را در دسته‌بندی‌های اجتماعی، وابسته به گروه خود معرفی کند.

تاجفل همچنین معتقد است: هویت بین اعضای گروه‌های با پایگاه بالاتر، قوی‌تر از گروهی با پایگاه پایین است و این به علت آن است که اعضای گروه‌های بالاتر یک هویت مثبت را در داخل گروه خود کسب کرده‌اند (حسین‌زاده، باقری و سلیمان‌نژاد، ۱۳۸۹).

مصاحبه‌شوندگان در این باره گفتند: مگر می‌شود به خدا ایمان نداشته باشیم، وقتی خودش خالق همه جهان است. برای خدا، نه می‌شود شریکی قائل شد و نه می‌توان ماندنی پیدا کرد (مصاحبه‌شوندگان ۱۴، ۵۸، ۳، ۱).

### بحث و نتیجه‌گیری

در این بخش مضامین و طبقات توصیفی حاصل شده از تحلیل یافته‌ها ارائه و تبیین شده که خود نشانگر گونه‌ها و روش‌های متعددی است که دبیران مفهوم «هویت دینی» را بازنمایی کرده‌اند:

طبقه توصیفی اول: ارتباط، تجربه، فضا و مکان، دلمشغولی، نماد و تمثیل، کشش شخصی، توانمندی دینی، آگاهی و شناخت، غوطه‌وری، و تأییدپذیری.

طبقه دوم: ماحصل ادراکات و تصورات ذهنی دبیران.

این مطالعه پدیدارنگاری نشان داد معلمان ده نوع معنی برای شکل‌گیری هویت دینی قائل‌اند. اولین رکن را «ارتباط» بیان کردند که فرد به وسیله ارتباط با خدا می‌تواند به آرامش برسد. در این خصوص، ارتباط بین معلم و دانش‌آموزان می‌تواند زمینه ارتباطی قوی ایجاد نماید. در واقع معلم با عمل آموزشی خود و همچنین از طریق فلسفه و ایده آموزشی بنیادین آن، می‌تواند از طریق ارتباط مؤثر، خود را در مدرسه و جامعه مطرح و دیگران را با اندیشه‌های تربیتی که دارد، تحت تأثیر قرار دهد (اولورمی، ۲۰۱۳).

در تعاملات ارتباطی رسمی و غیررسمی، بسیار مهم است که دبیر مثل یک دوست صمیمی بتواند بحث و گفت‌وگو در میان دانش‌آموزان به وجود آورد، تا جایی که در نتیجه بحث و انتقادهای متقابل، بهترین پاسخ را به سؤالات و ابهامات ذهنی دانش‌آموزان بدهد. این مؤلفه با نتایج قیصری (۱۳۸۹) همسو می‌باشد.

بهترین معلم خود را به خاطر سه ویژگی هرگز فراموش نمی‌کند: «دانش او»، «مهارت‌های ارتباطی» و «حساسیت‌های اخلاقی» که در رعایت حقوق دانش‌آموز، پایبندی به الزامات معلمی و مسئولیت‌پذیری او خود را نمایان می‌ساخت.

«تجربه» و «زمان» و «مکان» از مؤلفه‌هایی بودند که در مضمون سخنان مصاحبه‌شوندگان مطرح شد. تیلور بیان می‌داد که ما به وسیله فهم مکانی که در آن ایستاده‌ایم هویت می‌یابیم. نتیجه این مضمون با نتیجه ابادری و چاوشیان (۱۳۸۱) همسو می‌باشد.

«نماد و تمثال» می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌دهی هویت در فرد باشد. چون بخش اعظم دستگاه عصبی مرکزی ما در تعامل با عناصر فرهنگی و هویت‌ساز رشد می‌کند، به‌ویژه قشر بیرونی مخ، بدون راهنمایی نظام نمادهای معنادار ناتوان است. نتایج این مؤلفه با نتایج گیان (۱۳۹۲) همسو می‌باشد.

در مؤلفه «غوطه‌وری» فرد می‌کوشد تا رابطه خود با دین را جست‌وجو کند و با دستیابی به ویژگی‌های متمایزش از دیگر افراد احساس غرور و تحسین می‌کند و افراد یکایک احساس رو به رشدی را از طریق هموعان خود تجربه می‌کنند. یکی دیگر از نتایج این پژوهش آن است که «کشش شخصی» فرد و قدرتی که فرد بدان دست یافته موجب شکل‌گیری هویت دینی خواهد شد. در تحلیل نتایج می‌توان گفت: دین براساس معرفت و شناخت و یقین نسبت به مبدأ و معاد استوار است که خروجی آن انسانی کامل و بالنده است. به عبارت دیگر، هدف نهایی نظام اسلامی پرورش انسان‌ها از طریق شناخت خود و خدای خود و کمک به تعالی و کمال او برای رسیدن به حیات طیبه است. انسان دین‌دار و مؤمن انسانی هدفمند است و به عبارت دیگر، پوچ‌گرا نیست. دین سبب می‌شود که انسان معتقد و بااخلاق بوده، اعمالش در جهت رضای خدا باشد. انسان دین‌دار انسانی متمایز از دیگران در اندیشه، اعتقاد و رفتار است. هویت انسان دین‌دار هویتی خدایی و کامل است؛ زیرا هست‌ها و نیست‌ها (جهان‌بینی) و بایدها و نبایدها (ایدئولوژی) را خوب می‌شناسد و خوب می‌داند که خودش کیست؟ دیگران کیستند؟ و چون خود و خدای خویش را خوب می‌شناسد، از نظر وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک (مانند میهن و دین و فرهنگ) فردی کامل است؛ رفتارش و عملکردش برای رضای خدا بوده و دارای هویتی مناسب است.

فارغ از تفاوت‌های جزئی، چند موضوع برجسته در نتایج این پژوهش قابل مشاهده است؛ از جمله اینکه عوامل شکل‌دهنده هویت فردی در ایران متکثر، پویا و چندگانه است، به‌گونه‌ای که نقش عواملی همچون دین، قومیت، سرزمین، تفاوت‌ها و تمایزهای فردی در هویت فردی قابل مشاهده است. این یافته با یافته پژوهش رستمی (۱۳۸۹) در خصوص نقش ارزش‌ها و نگرش‌ها در هویت شخصی اشخاص، پژوهش شالچی (۱۳۸۴) و برجعلی و همکاران (۱۳۹۲) در خصوص نقش دین و مناسک مذهبی در هویت شخصی افراد، و پژوهش علوی و همکاران (۱۳۸۷) با هویت شخصی افراد همخوانی دارد.



- اکبری، حسین و عزیزی، جلیل (۱۳۸۶). هویت ملی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانش آموزان گروه متوسطه. *رفاه اجتماعی*، ۷(۲۷)، ۲-۳۰.
- ابوالحسنی، حسن (۱۳۸۷). مولفه‌های هویت ملی با رویکردی پژوهشی. *فصل‌نامه سیاست*، ۴، ۱-۲۲.
- احمدی، علی اصغر (۱۳۸۴). *روان‌شناسی شخصیت از دیدگاه اسلام*. تهران: امیرکبیر.
- احمدی، صدیقه (۱۳۸۶). مشکلات هویت‌یابی و بحران هویت. در: سایت آفتاب، [www.aftab.ir](http://www.aftab.ir).
- ابادری، یوسف و حسن چوشیان (۱۳۸۱). از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی. *علوم اجتماعی*، ۲۰، ۳-۲۷.
- اولیچ، رابرت (۱۳۷۵). *بیان بزرگ*. ترجمه علی شریعتمداری. اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
- آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۷). *مقیاس سنجش دین‌داری یا تکیه بر اسلام*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- برجلی، زهرا و همکاران (۱۳۹۲). نقش جهت‌گیری مذهبی در ساختار هویت فردی. *روان‌شناسی و دین*، ۳(۳۶)، ۹۷-۱۰۸.
- پارسانسب، محمد و دیگران (۱۳۹۱). *زبان و ادبیات فارسی عمومی*، دوره پیش‌دانشگاهی. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- حسین‌زاده، علی حسین، باقری، معصومه و سلیمان‌نژاد، محمد (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت اجتماعی جوانان دیرستانی شهر دهلران، نشریه *علوم اجتماعی*، ۱۰.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۲). *سیری در تربیت اسلامی*. تهران: دریا.
- رستمی فاطمه (۱۳۸۹). *بررسی میزان دین‌داری و احساس امنیت دانش‌آموزان دختر متوسطه و پیش‌دانشگاهی شهر تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور استان تهران.
- سجادی، سیدمهدی (۱۳۸۳). بررسی تطبیقی هویت زن از منظر مدرنیسم و پست مدرنیسم و دلالت‌های تربیتی آن. *پژوهش‌های آموزش و یادگیری*، ۱(۱)، ۴۳-۵۴.
- سعادت‌فر، انسیبه (۱۳۸۷). *انسان‌شناسی از دیدگاه استاد مرتضی مطهری و اریک فروم*. قم: معارف.
- سلیمانی بشلی، محمدرضا (۱۳۸۹). جهانی شدن، بحران هویت و تضعیف تربیت دینی. *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، ۲، ۱۱۵-۱۲۱.
- سبحانی‌جو، حیات‌علی (۱۳۸۳). هویت و بحران هویت. *روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۳۰۱، ۳۸-۴۹.
- شرفی، محمدرضا (۱۳۹۴). *جوان و بحران هویت*. تهران: سروش.
- شرفی، ح. و میرهاشمی، م. (۱۳۹۵). ارتباط سبک‌های عاطفی و جهت‌گیری مذهبی با سلامت عمومی دانشجویان. *پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری*، ۱(۱)، ۷۷-۹۰.
- شکرکن و همکاران (۱۳۸۰). بررسی و مقایسه انواع هویت در ابعاد اعتقادی و روابط بین فردی در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه شهید چمران اهواز. *علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ۳ (۱) و ۲.
- شالچی، وحید (۱۳۸۴). هویت قومی در بستر تحولات مدرن و سیاست‌های هویتی دوره پهلوی دوم در شهر اهواز. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۲(۲)، ۷۵-۹۴.
- صلواتی، عبدالله (۱۳۸۲). تبیین عرفانی و حکمی حدیث شریف (من عرف نفسه، فقد عرف ربه). *آیین پژوهش*، ۷۹.
- علوی، سیدسلیمان و همکاران (۱۳۸۷). هویت و سلامت روان در دانشجویان استفاده‌کننده از اینترنت و محیط‌های مجازی دانشگاه تهران. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۱(۱)، ۳۵-۲۷.
- کلانتری، حسین و همکاران (۱۳۸۸). هویت دینی و جوانان (نمونه آماری، جوانان شهر شیراز). *تحقیقات فرهنگی*، ۲(۶)، ۱۲۵-۱۴۱.
- کشتی آرای، نرگس (۱۳۸۷). *طرحی و اعتباربخشی الگوی برنامه درسی تجربه‌شده در آموزش عالی مبتنی بر رویکرد پدیدارشناسی - فمینیستی*. پایان‌نامه دکتری. دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان اصفهان.
- گیان، چارلز (۱۳۹۲). *در جست‌وجوی اصالت*. ترجمه آرش محمداولی. تهران: ققنوس.

- قیصری، علی (۱۳۸۹). *روشنفکران ایران در قرن بیستم*. ترجمه محمد دهقانی. تهران: هرمس.
- قیصری، علیرضا (۱۳۸۹). مولفه‌های هویت دینی. *نشریه مطالعات میان رشته‌ای فرهنگ و ارتباطات*، ۳.
- قادری، د. و مصطفایی، ع. (۱۳۹۱). سبک‌های هویت و جهت‌گیری مذهبی در دانشجویان دختر و پسر. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۰ (۳۳)، ۱۳۷-۱۵۸.
- ماهروزاده، طیبه (۱۳۹۲). جهانی‌شدن و هویت‌یابی جوانان. *تربیت اسلامی*، ۸ (۱۶)، ۱۳۹-۱۶۲.
- مری، مهرانگیز (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین سبک‌های تفکر و هویت با روش‌های کنار آمدن در میان نوجوانان پیش‌دانشگاهی مرودشت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت.
- عسگری متین، سجاد، و کیانی، غلامرضا (۱۳۹۷). الگوی معیار صلاحیت حرفه‌ای معلمی در تراز جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه تعلیم و تربیت*، ۳۴ (۲)، ۹-۲۱.
- نادری، احمد و همکاران (۱۳۹۴). فراترکیب پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه هویت دینی. *مطالعات ملی*، ۱۶ (۳)، ۲۷-۴۴.
- مرشدی‌زاد، ع. و همکاران (۱۳۹۱). بازنمایی هویت دینی در سینمای پس از انقلاب اسلامی. *مطالعات فرهنگ - ارتباطات*، ۱۳ (۱۸)، ۵۹-۸۱.
- کاشانی، مجید و رستم‌پور، منیره (۱۳۹۲). آموزش و پرورش، حیاتی‌ترین ابزار در مسیر توسعه پایدار. *علوم اجتماعی*، ۲، ۱۸۶-۱۹۶.
- هرسیچ، حسین و تویسرکانی، مجتبی (۱۳۸۹). تأثیر مؤلفه‌های هویت‌ساز ایرانی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران. *تحقیقات فرهنگی*، ۳ (۹)، ۱۵۱-۱۸۰.
- ولف، د. (۱۳۸۶). *روان‌شناسی دین*. ترجمه محمد دهقانی. تهران: رشد.
- Canter, D. (2023). The psychology of place. In *Readings on the Psychology of Place* (p. 70-75). Routledge.
- Relph, E., 1976, *Place and*
- Olson, E. T. (2002). (Personal Identity. in *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*, Edward N. Zalta (ed.), available at: <http://plato.stanford.edu/entries/identity-personal/>).
- Oluremi, O.F. (2013). Enhancing educational effectiveness in Nigeria through teacher's professional development. *European Scientific Journal*, 9(28), 422-431.
- McLellan, D. (2016). *Ideology* (2<sup>nd</sup>). Minneapolis: University of Minnesota Press.